

## بازخوانی نسبت بین جهانی و جاودانه بودن قرآن با جامعیت آن از منظر علامه طباطبایی

\* علی نصیری

\*\* سید مصطفی مناقب

\*\*\* رحمت‌الله عبدالله‌زاده آرانی

\*\*\*\* سید کریم خوش‌نظر

### چکیده

پاره‌ای از اندیشمندان معاصر، از سر بی‌مهری به قرآن نگریسته‌اند و کار بست آموزه‌های آن را در انحصار ملیت، منطقه و عصر خاصی می‌دانند. اینان به تبع چنین باوری، جامعیت مورد اعتنای قرآن را نیز انکار می‌نمایند. نوشتار حاضر با توجه به آرای علامه طباطبایی، از منظر درون‌دینی و با رویکردی تحلیلی کوشیده است ضمن بررسی مدلول آیات مربوط به: جهانی بودن و جاودانگی قرآن، جهانی بودن و جاودانگی رسالت پیامبر ﷺ، و جهانی و جاودانه بودن قرآن و رسالت پیامبر ﷺ، به تبیین تلازم بین دو مقوله مهم جهانی و جاودانی بودن قرآن با جامعیت آن بپردازد. اهمیت این پژوهش از آن رو است که با اثبات مدلول آیات مربوط طبعه جهانی و جاودانه بودن قرآن و رسالت پیامبر ﷺ، ناگزیر تلازم آن با مقوله جامعیت اثبات شده، قابل نفی و انکار نخواهد بود.

### واژگان کلیدی

جهانی بودن، جاودانگی، جامعیت، تلازم، علامه طباطبایی.

dr.alinasiri@gmail.com

dr.managheb@gmail.com

abdollahzadeh\_arani@yahoo.com

khoshnazar110@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۳۰

\*. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علم و صنعت ایران.

\*\* استادیار دانشگاه پیام نور کاشان.

\*\*\* استادیار دانشگاه پیام نور آران و بیدگل.

\*\*\*\* دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۳

### طرح مسئله

قرآن کریم، کتابی بی‌بدیل و آسمانی است که در زیبایی ظاهر و عمق باطن بی‌نظیر بوده، از بدو نزول، إثارةٔ دافیه‌های عقول و اندیشه‌ها را در گسترهٔ نگاه خود داشته است. در مقابل، غواصان اندیشه نیز در اقیانوس بیکران معارف عظیم و پرشمار آن به سباحات و شناگری پرداخته، گوهرهای بی‌شمار علمی و معرفتی را - در حد بضاعت مُرجات - فرا چنگ آورده‌اند.

نوشتار پیش‌رو با تأکید بر آرا و اندیشه‌های یکی از بزرگترین دانشوران معاصر، حکیم فرزانه مرحوم علامه طباطبایی، به بررسی و تبیین مقولهٔ مهم جهانی بودن و جاودانگی قرآن از یک‌سو، و تلازم آن با جامعیت مورد توجه این کتاب آسمانی از دیگرسو پرداخته است.

حال با توجه به دلالت صریح و مطابقی برخی از آیات قرآن بر عمومیت و شمول پیام قرآن و رسالت پیامبر ﷺ برای همهٔ اعصار و امصار و نیز عدم اختصاص گسترهٔ مخاطبان آن به منطقه و جغرافیای خاص<sup>۱</sup>، مسئلهٔ اصلی و مهم پژوهش حاضر این است که:

آیا می‌توان بین جهانی بودن و جاودانگی قرآن از یک‌سو و جامعیت آن از سوی دیگر، پیوند و ارتباطی را پذیرفت؟ به سخن دیگر، آیا از جهانی بودن و جاودانگی قرآن، می‌توان جامعیت آن یا به عکس، از جامعیت قرآن می‌توان جهانی و جاودانه بودن آن را استنتاج نمود؟ از آنجا که بررسی تلازم موجود بین جهانی بودن و جاودانگی قرآن و جامعیت آن، نیازمند واکاوی و تبیین «آیات دال بر جهانی و جاودانه بودن قرآن» می‌باشد، مسئله پژوهش از این رهگذر دنبال می‌گردد؛ لیکن پیش از آن، ادله و مستندات هریک از «جاودانگی» و «جهانی بودن» قرآن و دین و شریعت محمدی گزارش می‌شود.

### ادلهٔ جاودانه بودن آموزهای قرآن، و دین و شریعت محمدی

#### یک. حقیقه بودن گزاره‌های قرآنی

اهل منطق، قضایای حملیه را به لحاظ موضوع، به ذهنیه، خارجی و حقیقه تقسیم کرده‌اند:

- قضیهٔ ذهنیه، قضیه‌ای است که موضوع آن فقط در ذهن تحقق دارد؛ مانند «اجتماع نقیضین محال است».

- قضیهٔ خارجی، قضیه‌ای است که موضوع آن در عالم خارج در یکی از زمان‌های گذشته، حال یا آینده

تحقق داشته، حکم نیز بر آن حمل می‌شود؛ مانند «همهٔ دانشجویان دانشگاه موفق‌اند».

۱. با وجود دلالت صریح آیات قرآن مبنی بر جهانی بودن و جاودانگی آموزه‌های آن، فرقهٔ عیسویه (پیروان عیسی اصفهانی) معتقد بودند پیام و دعوت قرآن و رسالت پیامبر ﷺ امری قومی و منطقه‌ای است. (بنگرید به: شهرستانی، بی‌تا: ۱ / ۱۹۷ - ۱۹۶؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۵ / ۲۶؛ نیشابوری، ۱۴۱۶: ۳ / ۳۰؛ تفتازانی، ۱۴۰۹: ۵ / ۴۶؛ زرین کوب، ۱۳۶۹: ۱۸۵) در دوران معاصر نیز پاره‌ای از مستشرقان از سر غرض‌ورزی و یا جهل و نادانی، این ادعا را مطرح کرده‌اند. (بنگرید به: ابراهیم حسن، بی‌تا: ۱ / ۱۶۷؛ سید قطب، ۱۳۸۶: ۳ / ۳۰۵؛ رشید رضا، بی‌تا: ۶ / ۶۲۱؛ قرضاوی، ۱۴۱۹: ۱۰۶)

- قضیه حقیقیه، قضیه‌ای است که حکم آن به طبیعت و نفس الامر موضوع - با قطع نظر از اینکه موضوع در گذشته، حال یا آینده تحقق خواهد یافت - تعلق گرفته است. صحت و صدق این نوع قضیه، نه با تحقق ذهنی یا خارجی موضوع، که با نفس الامر معنا پیدا می‌کند؛ مانند «انسان حیوان ناطق است» که حکم این قضیه (ناطقیّت)، به نفس الامر انسان تعلق گرفته است و شامل همه نوع انسان‌های گذشته، حال و آینده می‌شود. (بنگرید به: مظفر، ۱۳۸۸ ق: ۲ / ۱۶۳) روشن است که جعل و انشای احکام و گزاره‌های قرآن به نحو قضایای حقیقیه می‌باشد و مقتضای چنین جعل و انشایی، استمرار و جاودانگی آن است.

## دو. اطلاق مقامی

اطلاق به دو قسم لفظی و مقامی تقسیم می‌شود:

- اطلاق لفظی، آن است که هنگام شک در شمول لفظ واحد بر همه مصادیق آن - به کمک مقدمات حکمت - به اطلاق لفظ تمسک می‌شود؛ مثلاً اگر گفته شود: دانشجویان می‌توانند در اردو شرکت کنند، هنگام شک در شمول یا عدم شمول لفظ دانشجویان بر ترم اولی‌ها، به اطلاق آن تمسک می‌شود.

- اطلاق مقامی، آن است که مولا و قانون‌گذار در مقام تعلیم حکمی از احکام شریعت - نظیر وضو - دخالت چیزی را به نحو شرطیت، جزئیت یا مانعیت بیان نکند. آنگاه در صورت شک - به کمک مقدمات حکمت - می‌گوییم این مطلب در غرض مولا دخیل نیست؛ مثلاً از اینکه امام در مقام بیان اجزا، شرایط و موانع وضو، طمأنینه را ذکر نمی‌کند، می‌فهمیم که طمأنینه شرط نیست. (مشکینی، ۱۳۶۷: ۲۴۸؛ مظفر، ۱۳۸۶: ۷۵؛ صدر، ۱۴۰۸: ۱۲۷ - ۱۲۶؛ همو، ۱۴۰۵: ۳ / ۴۳۲)

احکام و گزاره‌های قرآنی نیز بر چنین مبنایی استوار است و از آنجا که خطاب‌ها و گزاره‌های قرآنی، شامل همه انسان‌ها است و خداوند متعال برای آن، زمان و وقت معینی را لحاظ ننموده است، با استناد به اطلاق مقامی، استمرار و جاودانه بودن آنها استظهار و اثبات می‌شود؛ چنان‌که صاحب کفایه می‌نویسد: «الحکیم - تبارک و تعالی - ینشی علی وفق الحکمة والمصلحة، طلب شیء - قانوناً - من الموجود والمعدوم حين الخطاب، لیصیر فعلیاً بعدما وُجد الشرائط و قُید الموانع، بلا حاجة إنشاء آخر». (خراسانی، ۱۴۳۲: ۱ / ۳۱۵؛ نیز بنگرید به: سبحانی، بی‌تا: ۲ / ۴۱)

## سه. آیات قرآن

شماری از آیات - از جمله آیه ذکر، آیه من بلّغ و آیه عزت - به دلالت نص یا ظاهر، بر استمرار و جاودانه بودن قرآن دلالت می‌کند که در ادامه، برخی از آنها بررسی می‌شود.

## چهار. روایات

شماری از روایات معصومان علیهم‌السلام بر جاودانگی قرآن و دین و شریعت محمدی تأکید دارند. امام صادق علیه‌السلام درباره

آموزه‌های قرآن می‌فرماید: «لان الله تبارک و تعالی لم یجعل لزمان دون زمان و لا لناس دون ناس؛ فهو فی کل زمان جدید و عند کل قوم غض الی یوم القیامة». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷ / ۲۱۳) همچنین امام رضا علیه السلام استمرار و جاودانگی شریعت محمدی را چنین تبیین می‌فرماید: «شریعة محمد لاتنسخ الی یوم القیامة». (صدوق، ۱۳۷۷: ۲ / ۸۶) امام علی علیه السلام نیز در باب جاودانگی دین اسلام می‌فرماید: «ان هذا الاسلام دین الله الذی اصطفاه لنفسه ... و لا زوال لدعائه و لا انقلاع لشجرتہ و لا انقطاع لمدتہ». (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸ / ۳۷۵)

### ادله عقلی و نقلی «جهانی بودن قرآن، و دین و شریعت محمدی»

الف) مفاد ضرورت نبوت (دلیل عقلی): متکلمان شیعه و سنی، ادله متعددی برای اثبات ضرورت نبوت ذکر کرده‌اند. پیام محوری بسیاری از این ادله، آن است که گرچه عقل و دانش بشری برای شناخت راه تکامل و سعادت انسان لازم است، کافی نیست؛ از این رو هر انسانی در هر نقطه‌ای از جهان، نیازمند وحی و نبوت است. مفاد این دلیل، چیزی جز ضرورت جهانی بودن وحی الهی نیست. (بنگرید به: ضیائی فر، ۱۳۹۲: ۳۶۹ - ۳۶۶)

ب) آیات مشعر به عمومیت رسالت قرآن؛

ج) آیات مشعر به عمومیت رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله؛

د) آیات مشعر بر غلبه دین اسلام؛

ه) استقرای پیام‌های قرآن و دین. از استقرای پیام‌های قرآن و دین معلوم می‌گردد که این پیام‌ها مطابق فطرت آدمیان است و از آنجا که آموزه‌های فطری به قوم و منطقه خاصی اختصاص ندارد، به روشنی می‌توان ادعا کرد که پیام‌های قرآن و دین، امری جهان‌شمول است. (بنگرید به: سبحانی، ۱۴۱۷: ۴۷۶ - ۴۷۳؛ همو، ۱۳۷۶: ۱۳۵ - ۱۳۴؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱ / ۳۳؛ همو، ۱۳۷۶: ۱۲ / ۱۴۵)

### تقسیم سه‌گانه آیات دال بر جهانی و جاودانه بودن قرآن و رسالت پیامبر

پیش از بررسی آرای علامه، ذکر این نکته ضروری است که برخی از دانشوران قرآنی، آیات بیان‌کننده جهانی بودن و جاودانگی قرآن را در یک تقسیم‌بندی کلی، به دو دسته «آیات مبین جهانی بودن و جاودانگی قرآن» و «آیات مبین جهانی بودن و جاودانگی رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله» که به دلالت التزامی، جهانی بودن و جاودانگی دعوت و پیام قرآن را نیز به دنبال دارد، تقسیم نموده‌اند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲ / ۲۷۹ - ۲۷۶) نوشتار حاضر با توجه به مجموع آرای علامه طباطبایی، افزون بر دو قسم یادشده، از قسم دیگری یاد خواهد کرد که به صورت توأم، واجد هر دو ویژگی «جهانی بودن و جاودانگی قرآن و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله» می‌باشد. اینک مجموعه مباحث کلیدی علامه طباطبایی در پاره‌ای از آیات مربوط به عنوان بحث - نه در همه آنها -

در قالب تقسیم‌بندی ذیل عرضه می‌گردد:

### یک. آیات بیان کننده جهانی و جاودانه بودن «قرآن»

این آیات خود به چند گروه تقسیم می‌شوند؛ لیکن از آنجا که آیات ذیل، تصریح و دلالت روشن‌تری نسبت به سایر آیات بر جهانی و جاودانگی قرآن دارند و علامه نیز مهم‌ترین آرای خود را ذیل آنها - در دلالت بر قسم نخست - بیان نموده است، در تبیین قسم یادشده تنها به ذکر دو نمونه بسنده می‌شود:

#### ۱. آیه «ذکر»

إِنَّا نَحْنُ نُزَّلْنَا الذُّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ. (حجر / ۹)

در حقیقت، ما خود، آگاه‌کننده [= قرآن] را فرو فرستادیم و قطعاً، ما پاسداران آن هستیم.

این ازجمله آیاتی است که قرآن را «ذکر» نازل شده از سوی خداوند معرفی نموده، بر حفظ و بقای آموزه‌های آن در همه اعصار و دوران تأکید می‌ورزد. به سخن دیگر، قرآن را جهانی و جاودانه در همه اعصار و دوران به‌شمار می‌آورد.

#### تبیین مدعا

علامه آیه فوق را دارای دو فراز دانسته، در تبیین فراز نخست آن می‌نویسد: «صدر آیه در سیاق حصر و ظاهر آن ناظر بر گفته‌های منکران است که الهی بودن و حقانیت قرآن را نفی می‌کردند، آن را ساخته و پرداخته پیامبر ﷺ می‌انگاشتند؛ لذا خداوند با قاطعیتی غیر قابل تردید می‌فرماید:

نه تو (پیامبر)! و نه ملائکه، هیچ‌یک در نزول قرآن نقش ندارید؛ بلکه این تنها خود ما

هستیم که ذکر (قرآن) را نازل کردیم. (طباطبایی، ۱۴۰۳: ۱۲ / ۱۰۱)

وی همچنین در توضیح و تبیین فراز دوم آیه، وصف «لحافظون» (اسم فاعل) را ظاهر در استقبال و آینده دانسته، صیانت ماندگار و ابدی قرآن را از آن استفاده می‌کند. علامه می‌نویسد: «آیه به قرینه سیاق، بر حفظ و بقای قرآن تا ابد دلالت می‌کند.»<sup>۱</sup> (همان: ۱۰۲)

در نتیجه این فراز از آیه بر حفظ قرآن در همه اعصار و دوران پس از زمان نزول آن دلالت دارد. به سخن دیگر، خداوند با به کار گرفتن فراز دوم آیه، به تمام معنا تأکید می‌کند که قرآن را در همیشه تاریخ و تا روز قیامت حفظ خواهد نمود و این از جهت عنایت تام و تمامی است که به «ذکر» دارد. پس قرآن، ذکر زنده و جاودان، مصون از زوال و فراموشی، فزونی و نقص و تغییر و جابه‌جایی در صورت و سیاق، و همچنین مبین حقایق معارف خود می‌باشد. (همان: ۱۰۱)

۱. ان الآیه بقرینه السیاق إنما تدل علی حفظ الذکر الذی هو القرآن بعد انزاله الی الابد.

علامه در جمع‌بندی نهایی معنای آیه می‌نویسد:

آیه دلالت دارد بر اینکه قرآن، از این حیث که ذکر الهی است، مصون و محفوظ از جمیع اقسام تحریف و تصرف بوده، در نتیجه زنده، جاودان و همیشگی می‌باشد.<sup>۱</sup> (همان)

واضح است که عبارتهای نقل شده از مؤلف فرزانه تفسیر المیزان، به روشنی بیان‌کننده دیدگاه ایشان در باب جهانی بودن و جاودانگی قرآن در همه اعصار و دوران می‌باشد.

#### صفت «ذکر»، بیان‌کننده جامعیت قرآن

نکته قابل توجه درباره ارتباط آیه مورد بحث با جامعیت قرآن این است که علامه در ذیل فصل یکم از مباحث مربوط به مصونیت قرآن از تحریف، تحت عنوان «گفتاری در باب مصونیت قرآن از تحریف»، ضمن بیان این نکته که قرآن به اوصاف و ویژگی‌هایی تحدی می‌کند که نوع آیاتش واجد آنهاست، از صفت «ذکر» نام برده، می‌نویسد:

و از جامع‌ترین اوصافی که قرآن برای خود بیان می‌کند، این است که ذکر خدا است. [توضیح مطلب اینکه] پس قرآن از این حیث که معجزه زنده و جاوید و دلالت‌کننده بر وجود خدا است و از این حیث که توصیف‌گر اسما و صفات الهی، و سنت خدا در آفرینش، و فرشتگان، کتاب‌ها و رسولان، و شرایع و احکام، و مبدأ و معاد و نیز توصیف‌کننده تفصیل و جزئیات اموری است که سعادت و شقاوت و بهشت و جهنم مردم به آن بازگشت می‌کند، ذکر خدا به‌شمار می‌آید. (همان: ۱۰۶)

ایشان در ادامه با تأکید بیشتری چنین می‌نگارد:

چون «ذکر» از جامع‌ترین و شامل‌ترین اوصاف در دلالت بر شئون او معانی و معارف قرآن است، در جمیع آیاتی که خداوند از مصونیت و عدم رهیافت باطل و تغییر و تحریف در قرآن گزارش داده، از آن به ذکر تعبیر نموده است.<sup>۲</sup> (همان)

گفتار علامه در توضیح و تبیین ذکر بودن قرآن و جامعیت آن را می‌توان در قالب قیاس اقترانی شکل اول چنین صورت‌بندی نمود:

(صغرا) قرآن ذکر است.

(کبری) ذکر، جامع معارف مربوط به مبدأ و معاد، سعادت و شقاوت و ... است.

(نتیجه) قرآن، جامع معارف مربوط به مبدأ و معاد، سعادت و شقاوت و ... است.

۱. فالآیه تدل علی کون کتاب الله محفوظاً من التحریف بجميع اقسامه من جهة کونه ذکراً لله سبحانه فهو ذکرٌ حی خالداً.  
 ۲. و لکون الذکر من أجمع الصفات في الدلالة علی شؤن القرآن عبّر عنه بالذکر في الآيات التي أخرج فيها عن حفظه القرآن عن البطلان و التغيير و التحریف.

حاصل آنکه، از انضمام گفتار اخیر علامه به نکات مربوط به آیه ذکر، افزون بر جهانی بودن و جاودانگی قرآن، به دلالت مطابقی - نه التزامی - بحث جامعیت قرآن استنباط می‌شود و دلیل توجه تام و تمام خداوند بر ذکر (قرآن) و مصون و محفوظ نگه داشتن آن از هرگونه غلبه بطلان، نسخ، تغییر و تحریف روشن می‌گردد.

## ۲. آیه «عدم اتیان باطل»

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ \* لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ. (فصلت / ۴۲ - ۴۱)

در حقیقت، کسانی که به آگاه‌کننده [= قرآن] هنگامی که به سراغشان آمد، کفر ورزیدند [بر ما مخفی نمی‌ماند]؛ درحالی که قطعاً آن [قرآن] کتابی شکست‌ناپذیر است که باطل از پیش‌روی آن و پشت‌سرش به سراغ آن نمی‌آید؛ [زیرا این] فروفرستاده‌ای از جانب [خدای] فرزانه ستوده است.

آیه مزبور، از جمله آیاتی است که به دلالت مطابقی بر جهانی بودن و جاودانگی قرآن دلالت دارد.

### تبيين مدعا

علامه ضمن تبیین دلالت آیه مورد بحث، مبنی بر عدم رهیافت هیچ‌گونه بطلان و نسخی به ساحت قرآن تا روز قیامت، به مقصود خداوند از عبارت «مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ» اشاره کرده، جهانی بودن و جاودانگی قرآن را نتیجه می‌گیرد و می‌نویسد:

مراد خداوند از فراز «مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ»، دو زمان حال و آینده، یعنی زمان نزول قرآن و اعصار و دوران پس از آن تا روز قیامت است.<sup>۱</sup> (همان: ۱۷ / ۳۹۸)

همان‌طور که از گفتار علامه پیدا است، وی جاودانگی و جهانی بودن قرآن را از متن آیه مورد بحث (فراز «مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ») استفاده می‌کند. این ادعا که قرآن در زمان نزول و در اعصار و دوران پس از آن تا روز قیامت، دستخوش هیچ‌گونه بطلان و نسخی نمی‌گردد، دقیقاً به معنای جاودانگی و جهانی بودن آن است. علامه در جمع‌بندی نهایی معنای آیه نیز می‌نویسد:

قرآن کتابی است که هیچ‌گونه تناقض و کذبی در بیانات و اخبار آن وجود نداشته، رهیافت هرگونه بطلان (و نسخ) در معارف، حکم و شرایع آن، همچنین هرگونه معارضه و تغییر، اعم از فزونی یا تحریف در آن منتفی است. و علت آسیب‌ناپذیری قرآن، آن است که از ناحیه خدای حکیم حمید نازل شده است. (همان: ۱۷ / ۳۹۹ - ۳۹۸)

۱. فالمراد بقوله: «مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ» زمانا الحال و الاستقبال ای زمان النزول و مابعد الی یوم القیامة.

وی در ادامه، آیه مورد بحث را در افاده معنا و دلالت بر جهانی و جاودانه بودن قرآن، همسنگ آیه ذکر به‌شمار آورده است.

حاصل آنکه، از مجموع گفتار علامه در تبیین دلالت آیه مورد بحث و هم‌طراز دانستن آن با آیه ذکر (تفسیر آیه به آیه)، چند نکته قابل استفاده است:

الف) عدم راه یافتن هیچ‌گونه نسخ و بطلانی به ساحت قرآن (نه در زمان نزول و نه در دوران پس از آن تا روز قیامت)؛

ب) عدم اختصاص قرآن به عصر و زمان نزول آن؛

ج) جهانی بودن و جاودانگی قرآن و آموزه‌های بلند آن؛

د) جامعیت قرآن به دلیل هم‌طرازی آیه مورد بحث با آیه ذکر در دلالت (یکی از جهات هم‌طرازی دو آیه یادشده در دلالت، اشتغال هر دو آیه بر صفت «ذکر» است).

خلاصه اینکه، ذکر بودن قرآن، نسخ‌ناپذیری و عدم بطلان آموزه‌های آن، دلیل بر جهانی بودن، جاودانگی و جامعیت آن است.

برخی از مفسران معاصر نیز در توضیح آیه مورد بحث، پس از بیان صور سه‌گانه عدم راه یافتن باطل به ساحت قرآن، با استناد به اطلاق آیه، نفی هرگونه باطل متصور و حقانیت قرآن را تا روز قیامت استفاده می‌کنند. به سخن دیگر، آنان از نفی مطلق غرض بطلان به ساحت قرآن، جاودانگی و جهانی بودن آن را استفاده می‌کنند. (سبحانی، ۱۴۱۷: ۳ / ۳۷۶ - ۳۷۵)

## دو. آیات بیان‌کننده جهانی بودن و جاودانگی رسالت پیامبر ﷺ

این آیات به دلالت مطابقی، بیان‌کننده جهانی و جاودانه بودن رسالت پیامبر ﷺ است و به دلالت التزامی، عمومیت و شمول دعوت و پیام قرآن را تا روز قیامت می‌رساند و همانند مورد نخست، به چند دسته تقسیم می‌گردد که در اینجا نیز تنها به ذکر چند نمونه از آنها اکتفا می‌گردد:

### ۱. آیه «مَنْ بَلَغَ»

وَأَوْحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ. (انعام / ۱۹)

و این قرآن بر من وحی شده تا به‌وسیله آن، شما و هر کس را که [این قرآن به او] می‌رسد، هشدار دهم.

### تبیین مدعا

آیه فوق - به‌صراحت - رسالت پیامبر ﷺ را اعم از انذار معاصران و غیر معاصران وی دانسته، تأکید می‌کند



که دعوت قرآن شامل همه کسانی می‌شود که این پیام به آنان برسد. علامه در توضیح و تبیین دلالت آیه مورد بحث می‌نویسد:

گفتار خداوند « وَأَوْحِيَ إِلَيَّ ... »، بر عمومیت و شمول رسالت پیامبر ﷺ به واسطه قرآن - نسبت به معاصران و غیر معاصران تا روز قیامت دلالت دارد.<sup>۱</sup> (همان: ۳۹ / ۷)

علامه در ادامه به نکته ژرفی در مورد «انذار» اشاره می‌کند که در واقع تأکید بر جامعیت هرگونه نوشته و کتاب - اعم از قرآن و نامه ارسالی پیامبر ﷺ به مردم سایر سرزمین‌ها - به‌شمار می‌آید. ایشان در توضیح این نکته که چرا در آیه مورد بحث، «لَا تُذِرْكُم بِهِ» گفته شده، نه «لَا تُذِرْكُم بِقِرَائَتِهِ» می‌نویسد:

قرآن بر هر کسی که لفظ آن را بشنود، معنای آن را بشناسد و به مقاصد آن راه یابد یا لفظ آن برایش تفسیر گردد و به مضامینش راه یابد، حجت است؛ پس شرط انذار یک کتاب (مُنذِر به)، هم زبانی انذاردهنده (مُنذِر) و مخاطبان معاصر یا غیر معاصر آن (مُنذَر عَلَيْهِمْ) نیست؛ بلکه همین که یک کتاب، واجد محتوا و مضامین عام و فراگیر باشد و اقامه حجت کند، کافی است در اینکه به‌وسیله آن انذار صورت گیرد. (همان: ۴۰ / ۷ - ۳۹)

روشن است که علامه در تبیین آیه مورد بحث، افزون بر بیان عمومیت رسالت پیامبر ﷺ و جهان‌شمولی دعوت و پیام قرآن، به جامعیت آن نیز اشاره کرده، جامعیت را شرط ضروری برای انذار مخاطبان عصر نزول و دوران پس از آن تا روز قیامت به‌شمار آورده است. به سخن دیگر، از منظر علامه، شرط انذار بودن کتابی همچون قرآن، هم‌زبانی انذاردهنده و مخاطبان آن نیست؛ بلکه جامعیت محتوا و مضامین فراگیر آن در اینکه به‌وسیله آن، انذار صورت گیرد، کافی است؛ پس جامعیت قرآن، شرط انذار معاصران و غیر معاصران است.

## ۲. آیات دلالت‌کننده بر عمومیت رسالت پیامبر ﷺ

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا. (اعراف / ۱۵۸)

بگو: ای مردم! در حقیقت من فرستاده خدا به‌سوی همه شما هستم.

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ. (سبأ / ۲۸)

و تو را جز برای همه مردم نفرستادیم.

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا. (فرقان / ۱)

خجسته [و پایدار] است آن [خدایی] که جداکننده [حق از باطل = قرآن] را بر بنده‌اش فرو فرستاد، تا هشدارگری برای جهانیان باشد.

۱. فقولہ: « وَأَوْحِيَ إِلَيَّ ... » يدل على عموم رسالته بالقرآن لكل من سمعه منه أو سمعه من غيره الى يوم القيامة.

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ. (انبیاء / ۱۰۷)

و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.

آیات فوق به روشنی بر شمول و عمومیت رسالت پیامبر دلالت دارد و ایشان را فرستاده و رسول برای تمام مردم و جهانیان معرفی می‌نماید. علامه همچنین تبیین بسیار جامعی را در یکی از مجلدات تفسیر گران سنگ المیزان ارائه می‌دهد که در واقع قدر جامع سایر اقوال ایشان بوده، حق مطلب را آن‌چنان که باید، ادا می‌کند. وی می‌نویسد:

روشن و بدیهی است که پیامبر ﷺ به سوی همهٔ انسان‌ها مبعوث گردید و به‌طور قطع، دعوت او براساس آیه «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً» و سایر آیات مرتبط، فراملیتی، فرمانطقه‌ای و فراعصری است، افزون بر اینکه تاریخ حکایت‌گر این حقیقت است که پیامبر ﷺ، یهودیان، رومیان، عجم‌ها، اهل حبشه و مصر را به قرآن و اسلام دعوت کرد؛ در حالی که آنها عرب نبودند.<sup>۱</sup> (همان: ۴ / ۱۶۰ - ۱۵۹)

شایان یادآوری است که فراز اخیر گفتار علامه - در باب گواهی و اذعان تاریخ مبنی بر عدم اختصاص دعوت پیامبر ﷺ به اعراب - خود دلیل مستقلاً بر جهانی بودن دعوت وی و در نتیجه آموزه‌های قرآن به‌شمار می‌آید.

### سه. آیه بیان کننده جهانی بودن و جاودانگی قرآن و رسالت پیامبر ﷺ

و هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مَبْرُوكٌ مُّصَدِّقٌ لِّلَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لِيُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا. (انعام / ۹۲)

و این کتابی خجسته است آن را فرو فرستادیم که آنچه [از کتاب‌های الهی] پیش از آن آمده است را مؤید است. و برای اینکه [مردم] اُمَّ الْقُرَى [= مادر شهرها، مکه] و کسانی را که پیرامون آن هستند، هشدار دهی!

همان‌گونه که در طلحه بحث اشاره گردید، به نظر می‌رسد افزون بر تقسیم دوگانهٔ پاره‌ای از آیات به «آیات بیان کننده جهانی بودن و جاودانگی قرآن» و «آیات بیان کننده جهانی بودن و جاودانگی رسالت پیامبر ﷺ»، می‌توان آیه فوق را مستند قسم سومی به‌شمار آورد که به‌صورت توأم، واجد هر دو ویژگی جهانی بودن و جاودانگی قرآن و رسالت پیامبر ﷺ می‌باشد.

### تبیین مدعا

پیش از تبیین مدعا، یادکرد این مهم خالی از لطف نیست که علامه در توضیح نکات مربوط به دلالت

۱. فَمِنَ الْمَعْلُومِ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ مَبْعُوثًا إِلَىٰ كَافَّةِ الْبَشَرِ مِنْ غَيْرِ اخْتِصَاصِ دَعْوَتِهِ بِقَوْمٍ دُونَ قَوْمٍ، وَ لَا بِمَكَانٍ دُونَ مَكَانٍ، وَ لَا بِزَمَانٍ دُونَ زَمَانٍ الْبَتَّةِ؛ قَالَ تَعَالَى: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً...»؛ عَلَىٰ أَنَّ التَّارِيخَ يَحْكِي دَعْوَتَهُ الْيَهُودَ وَ هَمَّ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ الرُّومَ وَ الْعَجَمَ وَ الْحَبْشَةَ وَ مِصْرَ وَ لَيْسُوا مِنَ الْعَرَبِ.

آیه فوق می‌نویسد:

پس از آنکه [در آیات قبل] خداوند خاطر نشان ساخت که نزول وحی بر عده‌ای از افراد بشر (انبیاء)، از لوازم الوهیت (و ربوبیت) او در این عالم بوده و کتاب حقی همچون تورات و امور دیگری که بشر به واسطه وحی الهی و تعلیم غیبی آن را آموخته، نازل شده از سوی او می‌باشد، فرمود: این قرآن نیز همچون سایر کتاب‌های آسمانی و هم‌تراز و همسان با آنها، از ناحیه او نازل شده است. و از جمله دلایل این مدعا، اشتغال قرآن بر اموری است که از شئون کتاب‌های آسمانی نازل شده از سوی خدا به‌شمار می‌آید. (همان: ۷ / ۲۷۸)

وی از آنچه گفته شد، دو نکته را استنتاج می‌کند:

نخست اینکه، آیه مزبور برخلاف سایر آیات همگون، تنها ناظر بر «نازل من عندالله» بودن قرآن است، نه آورنده آن؛  
دوم آنکه، اوصاف «مبارک» و «مصدق» برای کتاب - در آیه مورد بحث - نیز از امارت و نشانه‌های نازل من عندالله بودن قرآن است. (همان: ۲۷۹ - ۲۷۸)

علامه همچنین مدلول فراز دوم آیه (و لئنذرُ أمّ القریٰ و من حولها) را نشانه دیگری برای نازل شدن قرآن از سوی خدا به‌شمار می‌آورد.

اما در تبیین اصل مدعا در باب دلالت آیه مورد بحث باید گفت وی در توضیح هر یک از دو ویژگی «مبارک» و «مصدق» در فراز نخست آیه و نیز توضیح مدلول فراز دوم آیه، با ذکر نکاتی، برآیند آنها را افزون بر اثبات جامعیت قرآن، جهانی بودن و جاودانگی آن می‌داند؛ زیرا ظرف و سعه وجودی قرآن با عنایت به دو ویژگی «مبارک» و «مصدق» بودن آن - که خود از دلایل جامعیت قرآن به‌شمار می‌آید - جهانی بودن، مانایی و جاودانگی آن را نیز به دنبال دارد. اینک دلایل علامه در تبیین جامعیت قرآن بیان می‌شود:

### ۱. مبارک بودن قرآن

علامه یکی از نشانه‌های از جانب خدا بودن قرآن را مبارک بودن آن دانسته است. وی در توضیح ویژگی مبارک بودن قرآن تصریح می‌کند که خداوند، قرآن را واجد خیر کثیر و برکت گردانید و از جمله آن خیرات و برکات، این است که قرآن مردم را به استوارترین آئین (للتی هی اقوم)، راه‌های سلامت (سبل السلام)، سعادت دنیا و آخرت و ... هدایت نموده است. (همان: ۲۷۹)

نتیجه روشن این گفتار در توضیح ویژگی مبارک بودن، این است که قرآن واجد سعه وجودی و ظرفیت هدایت به استوارترین آئین و ... می‌باشد و این یعنی اثبات جامعیت این کتاب الهی. به سخن دیگر، جامعیت

قرآن، مفهوم عامی است که آئینی استوار را - اعم از معارف مربوط به مبدأ و معاد، معارف مربوط به سعادت دنیا و آخرت و ... - دربرمی‌گیرد.

## ۲. مصدق بودن قرآن

علامه همچنین ویژگی «مصدق» بودن قرآن را نسبت به سایر کتاب‌های آسمانی، از نشانه‌های حقانیت قرآن و نزول آن از جانب خدا به‌شمار آورده است.

روشن است که مراد از مصدق بودن قرآن نسبت به کتاب‌های آسمانی پیشین، جز این نیست که قرآن تصدیق‌کننده همه معارف حقه آن کتاب‌ها است و همچنین برخی از احکامی را که زمان حکم آنها به سر آمده، نسخ نموده است. (همان: ۱۲ / ۲۵۲) این مدعا به معنای آن است که قرآن باید واجد همه معارف کتب آسمانی پیشین و آموزه‌های بیشتری باشد تا بتواند بخشی را تصدیق و برخی (از احکام) را نسخ نماید. در نتیجه قرآن کتابی جامع و فراگیر است.

علامه در تبیین فراز دوم آیه مورد بحث تأکید می‌کند که قرآن به‌طور کامل، غرض و مقصود خداوند از خلقت عالم را تأمین می‌کند، تأمین کردن مقصود و غرض خداوند از خلقت عالم در قرآن، منحصر به عصر رسالت نبوده است؛ بلکه تمام گستره زمین و زمان را دربر می‌گیرد و این امر، افزون بر اثبات جامعیت قرآن، حکایت از جهانی بودن، مانایی و جاودانگی آن دارد.

مجموع گفتار علامه در توضیح و تبیین دو ویژگی مبارک و مصدق بودن قرآن و در نتیجه، جامعیت، جهانی و جاودانه بودن آن را می‌توان در قالب قیاس اقترانی شکل اول صورت‌بندی نمود:

(صغرا) قرآن با توجه به دو وصف مبارک و مصدق بودن، جامع است.

(کبری) جامعیت قرآن، مستلزم جهانی بودن، مانایی و جاودانگی آن است.

(نتیجه) قرآن، جهانی، مانا و جاودانه است.

## ۳. مدلول فراز دوم آیه (وَ لِيُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا)

علامه مدلول فراز دوم آیه مورد بحث را نیز از امارات و نشانه‌های از جانب خدا بودن قرآن دانسته، در تبیین آن می‌نویسد:

قرآن به‌طور کامل، غرض و مقصود خداوند از خلقت عالم را تأمین می‌کند؛ زیرا غرض خداوند از نزول قرآن این بوده که بشر را به وسیله وحی نازل‌شده از سوی خود انداز نموده، به سعادت زندگی دنیا و آخرت هدایت کند [و قرآن - در واقع - ایفاگر چنین نقش برجسته‌ای است]. آنچه گفته شد، همان چیزی است که فراز دوم آیه مورد بحث بر آن دلالت دارد. (همان: ۷ / ۲۷۹)

بدیهی است که تنها کتابی می‌تواند غرض خداوند از خلقت عالم را تأمین کند که جامع و فراگیر بوده، آموزه‌های آن همیشگی و جاودانه باشد. علامه در انتهای تبیین خود از آیه مورد بحث می‌نویسد:

از توضیحات داده‌شده در مورد آیه مزبور، معلوم می‌شود مناسب با سیاق این است که عبارت «ولتندر أمّ القری» عطف بر «مصدق» باشد؛ زیرا معطوف و معطوف‌علیه در اینکه هر دو مشتمل بر معنای غایت و نتیجه‌اند، مشترک می‌باشند و تقدیر آیه [در این صورت] چنین است: این (قرآن)، کتاب مبارکی است که ما نازلش کردیم تا کتاب‌های پیشین را تصدیق نموده، تو با آن مردم مکه و سایر سرزمین‌ها را انذار کنی. (همان: ۲۷۹)

از مجموع آنچه در باب مدلول فراز دوم آیه مورد بحث گفته شد، روشن می‌گردد که مدلول فراز یادشده، افزون بر اثبات جامعیت قرآن، جهانی بودن و جاودانگی آن، ناظر به جهانی بودن و جاودانگی رسالت پیامبر ﷺ نیز می‌باشد.

فراجم سخن آنکه، با توجه به استحکام ادله درون‌دینی اقامه‌شده در متن نوشتار حاضر، به‌طور قطع می‌توان ادعا کرد که بین دو مقوله جهانی بودن و جاودانگی قرآن از یکسو و جامعیت آن از دیگرسو، تلازم وجود دارد.

### نتیجه

مجموع آیات، بیان‌کننده جهانی بودن و جاودانگی قرآن - به دلالت مطابقی یا التزامی - سه دسته می‌باشند که عبارتند از: آیات بیان‌کننده جهانی و جاودانه بودن قرآن؛ آیات مبین جهانی و جاودانه بودن رسالت پیامبر ﷺ و آیه بیان‌کننده جهانی و جاودانه بودن قرآن و رسالت پیامبر ﷺ. همچنین با استناد به برخی از آیات قرآن؛ از جمله آیه «ذکر»، آیه «عدم اتیان باطل» و ... جهانی بودن، جاودانگی و جامعیت قرآن قابل اثبات است. نیز معیارهای جهانی بودن و جاودانگی قرآن؛ همچون عدم راهیابی باطل به ساحت قرآن، انسجام محتوایی آیات، حقیقیه بودن گزاره‌های قرآنی، نسخ‌ناپذیری آموزه‌های آن و ... بیان گردید. همچنین اثبات شد که؛ فرض شمول و عمومیت رسالت پیامبر ﷺ بدون وجود آموزه‌های فراگیر و جاودانه قرآن، فرض عبث و باطلی است و نیز شرط مندر بودن قرآن در طول تاریخ، وجود آموزه‌ها و مضامین عام و فراگیری است که امکان اقامه حجت و برهان با قرآن فراهم آمده است. همچنین ثابت شد بین دو مقوله جهانی و جاودانگی قرآن از یک سو، و جامعیت آن از سوی دیگر، تلازم وجود دارد؛ بدین معنا که هم لازمه جهانی و جاودانه بودن قرآن، جامعیت آموزه‌های آن است و هم مقتضای جامعیت و فراگیر بودن آموزه‌های آن، جهانی و جاودانه بودن آن آموزه‌هاست.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ۱۳۸۳، ترجمه علی شیروانی، قم، دار العلم.
۳. ابراهیم حسن، حسن، بی تا، تاریخ الاسلام سیاسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹ ق، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار العلمیة.
۵. تفتازانی، مسعود، ۱۴۰۹ ق، شرح المقاصد، تحقیق عبدالرحمن عمیره، قم، منشورات الشریف الرضی.
۶. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۶، تفسیر موضوعی قرآن کریم (سیره رسول اکرم ﷺ)، قم، مرکز نشر اسراء.
۷. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۸، تفسیر تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء.
۸. خراسانی، محمد کاظم، ۱۴۳۲ ق، کفایة الاصول، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
۹. رشید رضا، محمد، بی تا، المنار، بیروت، دار المعرفة.
۱۰. زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۶۹، در قلمرو وجدان، تهران، انتشارات علمی.
۱۱. سبحانی، جعفر، ۱۳۷۶، منشور عقاید امامیه، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.
۱۲. \_\_\_\_\_، ۱۴۱۷ ق، الالهیات علی هدی الكتاب و السنة و العقل، قم، اعتماد.
۱۳. \_\_\_\_\_، بی تا، تهذیب الاصول، (تقریرات درس خارج اصول امام خمینی)، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۴. سید قطب، ابراهیم، ۱۳۸۶، فی ظلال القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۵. شهرستانی، محمد، بی تا، الملل و النحل، تحقیق محمد بدران، مصر، مکتبة الانجلو.
۱۶. صدر، محمدباقر، ۱۴۰۵ ق، بحوث فی علم الاصول، قم، المجمع العلمی للشهید الصدر.
۱۷. \_\_\_\_\_، ۱۴۰۸ ق، دروس فی علم الاصول، قم، اسماعیلیان.
۱۸. صدوق، محمد، ۱۳۷۷، عیون اخبار الرضا، قم، دار العلم.
۱۹. ضیائی فر، سعید، ۱۳۹۲، جایگاه مبانی کلامی در اجتهاد، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
۲۰. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۰۳ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، اعلامی.
۲۱. قرضایی، یوسف، ۱۴۱۹ ق، خصائص العامة للاسلام، بیروت، مؤسسه الرسالة.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، بیروت، مؤسسه الوفا.
۲۳. مشکینی، علی، ۱۳۶۷، اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها، قم، نشر الهادی.
۲۴. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱، قرآن شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۵. مظفر، محمدرضا، ۱۳۸۶، اصول الفقه، نجف، دار النعمان.
۲۶. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۸ ق، المنطق، قم، اسماعیلیان.
۲۷. نیشابوری، حسن، ۱۴۱۶ ق، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، تحقیق ذکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیة.

## تحليل دين الحد الأعلى في فكر آية الله جوادی الآملی

رضا حبيبي<sup>١</sup> / محمد داودي<sup>٢</sup> / محمود نوذري<sup>٣</sup>

**خلاصة البحث:** معظم ذوى النظر فى الفكر الإسلامى يعتقدون أن الدين الإسلامى هو دين الحد الاعلى. ورغم كل ذلك يلاحظ وجود اختلاف شاسع فى الرؤى بينهم حول نطاق و مجال قضايا الدين. و من اكثر الآراء شيوعاً بين المفكرين المتأخرين هو الحد الاعلى فى الدين فى مجال تأمين سعادة الإنسان، غير ان البعض ذهب إلى ما هو أبعد من ذلك و زعم ان الدين يتكفل أيضاً بالاجابة عن جميع القضايا المتعلقة بالحياة الفردية والاجتماعية. فى بحثنا هذا نطلق على هذا الاتجاه تسمية «اتجاه الحد الاعلى المطلق»، و فيه نسلط الضوء على أهم هذه التوجهات و هو الرأى الذى طرحه الشيخ آية الله جوادی الآملی. و نظراً إلى سعة آرائه هذا المضمار، نكتفى هنا بذكر قسم من أهم متبنياته، و استمراراً نطرح على بساط البحث ما يكتنف هذا البحث من غوامض.

**الألفاظ المفتاحية:** الدين، الحد الأعلى، العقل، الواقعية، أسلمة العلوم، جوادی.

## دراسة نقدية لرأى سوينبرن حول صفات الله

محمدجواد اصغرى<sup>٤</sup> / سيد محمود موسى<sup>٥</sup>

**خلاصة البحث:** ريتشارد سوينبرن، فيلسوف دين معاصر، سعى فى أعماله الى ليقدم تبيناً جديداً لبراهين اثبات وجود الله. و قبل الدخول فى اثبات هذه البراهين، حاول تبين صفات الله؛ و من الصفات التى تناولها و قدم لها أحياناً تبيناً فريداً من نوعه، هى السرمدية، والقدرة، والعلم، والخير، والتميز، والاختيار. و من أهم الامور التى طرحها فى ما يخص صفات الله، هو تقسيم الصفات الى مجموعتين: أصلية، و استنتاجية، مع التصريح بعدم تعلق القدرة المطلقة لله بالمجالات الذاتية، والتأكيد على العلة المحدثه والمُثبقة لله بالنسبة الى العالم و اختيار الله. و معظم رؤاه تتطابق مع رؤى الفلاسفة المسلمين فى هذا المجال، غير ان عدم توسعه فى بحث الصفات الاستنتاجية، و عجزه عن حل شبهة العلم الازلى لله بالافعال الاختيارية للإنسان، و عدم قبوله للمعنى الدقيق للسرمدية، تعتبر أهم المؤاخذات التى اثيرت عليه فى باب تبين صفات الله. فى هذا البحث نعيد قراءة ما طرحه سوينبرن من تبين لهذه الصفات، ثم نضعها على طاولة النقد والتقييم.

**الألفاظ المفتاحية:** سوينبرن، صفات الله، التميز، العلم، القدرة، السرمدية.

١. طالب دكتوراه فى فلسفة التعليم والتربية الإسلامية، المعهد العالى للحوزة والجامعة. reza\_35\_mahdi@yahoo.com
٢. استاذ مساعد فى المعهد العالى للحوزة والجامعة. mdavodi@rihu.ac.ir
٣. استاذ مساعد فى المعهد العالى للحوزة والجامعة. mnowzari@rihu.ac.ir
٤. طالب دكتوراه فى تدريس المعارف الإسلامية، جامعة المعارف الإسلامية. asgharii@yahoo.com
٥. استاذ مشارك فى جامعة باقر العلوم. smmusavi@gmail.com

## إعادة قراءة للعلاقة بين عالمية القرآن وخلوده

### وبين شموليته من منظار العلامة الطباطبائي

على نصيري<sup>١</sup> / سيد مصطفى مناقب<sup>٢</sup> / رحمة الله عبدالله زاده آراني<sup>٣</sup> / سيد كريم خوش نظر<sup>٤</sup>

**خلاصة البحث:** بعض المفكرين المعاصرين نظروا إلى القرآن نظرة ظالمة حين اعتبروا تعاليمه توائم شعباً و اقليماً و عصرأ معينأ. و جريأ وراء مثل هذا الاعتقاد انكروا أيضاً ما يتصف به القرآن من شمولية. ينطلق هذا البحث من آراء العلامة محمد حسين الطباطبائي و من رؤية من داخل الدين و بأسلوب تحليلي، ليسلط الضوء على الآيات المتعلقة بعالمية القرآن و خلوده، و عالمية و خلود الرسالة النبوية، و عالمية و خلود القرآن و رسالة النبي محمد ﷺ ليبين من خلال ذلك أمرين مهمين وهما عالمية و خلود القرآن مع جامعته. تكمن أهمية هذا البحث في انه عند اثبات مداليل الآيات المتعلقة بعالمية و خلود القرآن و رسالة النبي محمد ﷺ يثبت بالضرورة تلازمها مع جامعته، و عندها تكون غير قابلة للنفي والانكار.

**الألفاظ المفتاحية:** العالمية، الخلود، الجامعية، التلازم، العلامة الطباطبائي.

## اجتماع وتكامل العقول في عصر الظهور

روح الله دريكوند<sup>٥</sup> / جواد جعفرى<sup>٦</sup>

**خلاصة البحث:** ازدهار العقول و تكاملها، رسالة جميع الأنبياء و الأولياء. و الناس في عصر الظهور يصبح لديهم الاستعداد لتكامل عقولهم نتيجة لما يمرّون به من تجربة ونضوج تاريخي، و يبدأ الإمام ﷺ رسالته التاريخية بتكامل عقول الناس. واستنادأ إلى بعض الاحاديث تجتمع عقول البشر و تكتمل احلامهم في عصر الظهور. و الأداة التي يتم بها هذا الاجتماع و التكامل للعقول هي اليد القوية للولاية. و معنى اجتماع العقول هو تجمع عقول كل الناس، و ينتج عن ذلك الوصول إلى الاتحاد و الاجماع. و يتحقق اجتماع العقول بفعل الارشاد و التربية التدريجية للإمام و بتأثير الرعاية التي يقوم بها الإمام بالأساليب الطبيعية و ليس عن طريق الاعجاز. فمما اثبتته العلم الحديث القدرات الهائلة التي يتمتع بها الإنسان و يمكن أن تتاح الظروف في المستقبل لاستثمارها و الافادة منها. و في ختام هذا البحث يُشار أيضاً إلى العلاقة المتبادلة بين العقل و العلم؛ اذ العلم مدعاة لنمو العقل، و العقل يمهد الظروف لكسب العلم.

**الألفاظ المفتاحية:** العقل، اداة جمع العقول، جمع العقول، تكامل العقول، المهذوية، عصر الظهور، الإمام المهدي.

dr.alinasiri@gmail.com

dr.managheb@gmail.com

abdollahzadeh\_arani@yahoo.com

khoshnazar110@gmail.com

derik.1358@yahoo.com

javad1350@gmail.com

١. استاذ مشارك في قسم المعارف الإسلامية جامعة علم و صنعت ايران.

٢. استاذ مساعد في جامعة پیام نور، فرع كاشان.

٣. استاذ مساعد في جامعة پیام نور، فرع آران و بيدگل.

٤. طالب دكتوراه في تدريس المعارف الإسلامية.

٥. خريج الحوزة العلمية.

٦. استاذ مساعد في معهد الحج و الزيارة.



## إعادة قراءة ناقدة لأدلة المؤيدين والمعارضين

### لقاعدة اللطف في المباحث الكلامية

حميد كريمي<sup>١</sup>

**خلاصة البحث:** من القواعد المهمة في علم الكلام عند العدلية، قاعدة اللطف التي على أساسها يُحكم بوجود اللطف على الله في مسائل متعددة. وعند تعريف اللطف، و شروطه و أقسامه كمدخل لهذا البحث و نعيد قراءة أدلته المؤيدين؛ و هم غالبية متكلمي الإمامية والمعتزلة، يتبين لنا ما يعتورها من نقص و أنها غير تامة. و كذلك عند تمحيص أدلة المعارضين، مثل بشر بن المعتمر و شارح كتاب المقاصد، يحصل تأييد قسم آخر في سياق مناقشة البعض الآخر منها. العقل يحكم أن الله حكيم ومقتضى الحكمة يجعل اللطف لزاماً عليه؛ ولكن عند الإلتفات الى كبرى القضية يكون اللطف غير واجب؛ و ذلك لأن هناك إفتراضات لا نهاية لها لم تتحقق في الخارج؛ و انما يمكن أن تتحقق. و اما من حيث صغرى القضية فيمكن من خلال مجموع المصالح والمفاسد تشخيص أمر خاص، حتى يحكم من بعد ذلك هل ذلك لازم على الله أم لا. في جميع المسائل التي استدلت فيها علماء الشيعة على هذه القاعدة (وجوب التكليف الشرعي، و بعثة الأنبياء، و عصمة الأنبياء، و لزوم الوعد والوعد، و وجوب نصب الإمام) توجد أدلة بديلة.

**الألفاظ المفتاحية:** اللطف، قاعدة اللطف، الأصلح، اللطف المحصل، اللطف المقرّب، وجوب نصب الإمام، وجوب التكليف.

### نقد آراء ابن تيمية حول رؤية الله في ضوء كلام الإمام علي عليه السلام

#### في النصوص الأولى عند أهل السنة

محمد رضا باغبانزاده<sup>٢</sup> / علي الهباشتي<sup>٣</sup> / حميد ملكمکان<sup>٤</sup> / علي كريميان<sup>٥</sup>

**خلاصة البحث:** فكرة رؤية الله شديدة الوضوح جداً في تعاليم ابن تيمية و هو من تلاميذ مدرسة ابن حنبل. استناده إلى ظواهر الصفات الخيرية لله دفعه إلى الاعتقاد بجسمانية الله و مكانيته. و مع أن ابن تيمية يعتبر نفسه من اتباع السلف غير انه يقول بعدم وجود نص في كلام السلف يدل على جسمانية الله أو عدم جسمانيته، في حين ان ما جاء من كلام الإمام علي عليه السلام في النصوص الاولية لأهل السنة - باعتباره يدخل في عداد سلف أمة رسول الله ﷺ الذين يرى ابن تيمية نفسه ملزماً باتباعهم - ينفي عن الله التجسيم والمكانية نفياً قاطعاً.

**الألفاظ المفتاحية:** الإمام علي عليه السلام، ابن تيمية، الله، الرؤية، التجسيم، المكانية.

h\_karymi@yahoo.com

mr.baghibanzadeh@gmail.com

alibedashti@gmail.com

h.malekmakan51@yahoo.com

a.karimiyani110@yahoo.com

١. استاذ مساعد في قسم المعارف الإسلامية، جامعة علم و صنعت ايران.

٢. طالب دكتوراه في المدارس الكلامية، جامعة الأديان والمذاهب.

٣. استاذ مشارك في جامعة قم.

٤. استاذ مساعد في جامعة طهران.

٥. استاذ مساعد في جامعة گيلان.

## جبرٌ أم إختيار: مقارنة اجتماعية لنزاع قديم

سيد مهدي اعتمادى فرد<sup>١</sup>

**خلاصة البحث:** ظهرت ثلاثة اتجاهات كلامية بين المسلمين على أساس نوع تقرير العلاقة في ما يخص النزاع الذى انبثق بين المتكلمين حول الاختيار فى اعمال الإنسان من جهة و ما تقتضيه الضرورات الإلهية الناتجة عن قدرة الله و علمه من جهة اخرى. حيث طرح الإمامية منهجاً وسطاً بين ما يذهب إليه الأشاعرة من جهة والمعتزلة من جهة اخرى. و هذا المنهج يحافظ على الاتجاهات الارادية للعمل، و فى الوقت ذاته لا يتجاهل النظام المنبثق من قدرة الله. هذا البحث يقدم تقييماً اجمالياً للظروف التاريخية والاجتماعية التى نشأت فيها هذه النظريات، وفى غضون ذلك يناقش مدى امكانية الفهم الاجتماعى بخصوص مكانة «الاختيار» و حدوده. ان الظروف الجديدة و ما أفرزته من فهم اجتماعى طرحت تصوراً جديداً عن قضية الارادة. و فى مثل هذا الوضع يكون الاجبار الاجتماعى حصيلة لارادة افراد كثيرين مجتمعة مع بعضها و هذه الظاهرة تتخذ صفة مستقلة و الزامية لتحقيق الحد الاعلى من الارادة. القواعد الثقافية الملزمة تتيح الظروف لتحقيق الارادة و مع ان طبيعة المعرفة الاجتماعية غير مؤهلة لاثارة نقاش حول الغايات الإلهية الضرورية فى المجال الإنسانى، فان التصور الاجتماعى يمكن أن يساعد فى تبين كيفية تحقيق النظم الاجتماعى فى الظروف المعاصرة مع الحفاظ على خصلة الارادة فى النزعة الإنسانية لغرض اعطاء تبين أفضل للمسألة بين المتكلمين، و يسلط الضوء على الايجابيات التى يتميز بها الاتجاه الذى تذهب إليه الإمامية فى الوسطية بين الجبر والتفويض، من خلال المقارنة بين ما يذهب إليه كل من الاشاعرة والمعتزلة. **الألفاظ المفتاحية:** الحرية، الإختيار، القبول الاجتماعى، الجبر، القواعد الثقافية، النظام الاجتماعى، الواقعية التحليلية.

### الإثبات المادى لعلم الله بالمصائر وعدم تعارضه مع الاختيار

حسن اكبرى زارع<sup>٢</sup> / منصور موسائى<sup>٣</sup> / محسن هاشمى نسب<sup>٤</sup> / على مسرورى<sup>٥</sup>

**خلاصة البحث:** من المسائل المهمة فى مجال الفلسفة، والإلهيات، و علم النفس، و حتى الفيزياء، هو وجود آراء تقول بالجبر والتقدير أو الإختيار بالنسبة الى اعمال الإنسان. القائلون بالجبر يعتقدون أن اعمال الإنسان و ما يجرى فى عالم الطبيعة يقع كله تحت تأثير قوة جبرية قاهرة موجهة من الله و ليس أمام الإنسان سوى الخضوع لهذه القوة الجبرية. و اما فئة القدرية فترى أن جميع الوقائع معيئة و مقدرة من قبل و ليس للإنسان خيار فى ما يقع له من الاحداث، ولكن هناك جماعة اخرى تقول بالاختيار و تعتقد انه بالرغم من علم الله بجميع الاحداث و مصير الموجودات، الا ان الإنسان يختار طريقه بارادته و له دوره فى تعيين مصيره مثل جميع العوامل الخارجية على حد سواء. يستند هذا البحث إلى قوانين الفيزياء فى اطار نظرية انشتاين فى النسبية، و عن طريق الاستفادة من المخروط النورى و نسبية التزامن، لتثير اول تساؤل حول سبب معرفة مصير الإنسان فى سياق علم الله، ثم يثبت الانسجام والتناسب بين اختيار الإنسان و علم الله بمصيره، و يبين ان ارادة الإنسان تقع فى طول ارادة الله. **الألفاظ المفتاحية:** الجبريون، القديرون، اختيار إنسان، نظرية النسبية الخاصة، المخروط النورى، نسبية التزامن.

etemady@ut.ac.ir

hasan9\_5@yahoo.com

mnoosaei@yahoo.com

m.hasheminasaba@gmail.com

masroori2012 @gmail.com

١. استاذ مساعد فى جامعة طهران.

٢. ماجستير فى الفيزياء الضوئية، جامعة تبريز.

٣. ماجستير فى ضوئيات الاتصالات، جامعة تبريز.

٤. ماجستير فى الطب النفسى السريرى، جامعة تبريز.

٥. طالب دكتوراه فى تدريس المعارف الاسلامية.

## المحقق الدواني ومسألة العلم الإلهي

حسين محمدخاني<sup>١</sup>

**خلاصة البحث:** المفكرون المسلمون يقرّون بمسألة علم الله ولكن تحليلها الفلسفي و بيان كفيّتها و خاصة علم الله بالامور التفصيلية، يتطلب المزيد من التأمل، إلى الحد الذي طُرحت فيه أساليب و طرائق مختلفة في هذا المجال. و قد تناول المحقق الدواني هذا الموضوع على وجه الخصوص بشكل تفصيلي. و في سياق تقييمه لآراء الحكماء والمتكلمين، جاء على اثبات علم الله و خاصة علم الله التفصيلي بالاشياء. و هو يرى تبينه لآراء الفلاسفة انهم يعتقدون بعلم الله على النحو التعقلى لا التخيلي. كما اهتم الدواني أيضاً بنقد التوضيح الذي طرحه الخواجة نصيرالدين الطوسي، كما اعتبر ما ذهب إليه ابن سينا حول علم الله انه غير العلم الارتسامي. ولأجل اثبات علم الله بالمخلوقات يستند الدواني على الأدلة القائمة على أن الذات الإلهية غير زمانية و فوق الزمانية، و على علاقة العلة والمعلول بين الله والموجودات، و كذلك يقدم تحليلاً على أساس ذوق التأله، و مؤداه العلم الاجمالي الخلاق للصور التفصيلية في الخارج.

**الألفاظ المفتاحية:** العلم الإلهي، العلم الارتسامي، ذوق التأله، العلم الإجمالي، الكشف التفصيلي.

## دراسة ونقد لفلسفة التشاؤم عند شيخ المعرفة

عبدالقاسم كريمي<sup>٢</sup>

**خلاصة البحث:** أبو العلاء المعري طريقة مبتكرة و فريدة في فلسفة التشاؤم، و نمط حياة عبثي و سلوكية متبتلة ميّالة الى الرياضة الروحية. كما انه يؤمن بالجبر المطلق في عالم الوجود ويرى ان الإنسان مجبول على الخبث والظلم، و من الناحية العقلية يعيش في حيرة وضياع، و اما من الناحية الروحية فهو في مأزق لا خلاص له منه، و حياته مقرونة بالشقاء والعذاب و ليس أمامه سوى مستقبل مجهول و مظلم. و يقترح أبو العلاء على الإنسان التسليم أمام الجبر الإلهي و عليه ان يزيد من عذابه في انتظار ان تدركه الوفاة. و هذا الاتجاه يكشف عن الجوانب السلبية للانغماس في حبّ الدنيا والملذات المادية، غير انه يواجه انتقادات دامغة من قبل المدارس الفلسفية الايجابية و من قبل الدين الإسلامي الذي يحمل توجهات شمولية؛ و ذلك لأنه يتجاهل جانب النزوع نحو الكمال و نحو الآخرة، و ينكر اختيار الإنسان و حرّيته، و يصوّر كأن نظام الشرّ هو الغالب في عالم الوجود. و هذا ما يعنى بالنتيجة ان تجاهله للتكليف و نظام العقاب والثواب، و ارسال الرسل و انزال الكتب، والتشكيك بحكمة الله و عدله، و انكار هدفة الخلق. يتقصّي هذا البحث المنطلقات الفلسفية والأخلاقية للتشاؤم في حياة شيخ المعرفة و أعماله مع ذكر الأساليب الكفيلة بالتخلص من هذا النمط من التفكير.

**الألفاظ المفتاحية:** أبو العلاء المعري، التشاؤم، المعاناة، الجبر، الشر.

hm\_ravanj@yahoo.com

a\_karimi@um.ac.ir

١. استاذ مساعد في قسم المعارف الإسلامية، الجامعة الإسلامية المفتوحة، فرع اراك.

٢. استاذ مساعد في قسم المعارف الإسلامية، جامعة فردوسي، مشهد.